



بررسی تطبیقی مضامین اجتماعی در رمان شوهر آهو خانم

اثر علی محمد افغانی و الأشجار
و اغتیال مرزوق اثر عبدالرحمن منیف

د. امیر فرهنگ نیا(*)

هانیه میهمی(**)

تاریخ دریافت: ۲۰۲۳/۱۱/۱

تاریخ قبول: ۲۰۲۴/۲/۴

چکیده

امروزه ارتباط تنگاتنگی میان ادبیات و جامعه وجود دارد و ادبیات، خواه شعر یا نثر، نمی‌تواند از مسائل جامعه چشم‌پوشد. ادبا نیز به عنوان صاحبان فکر و اندیشه، همواره در تلاشند زبان گویای آحاد مردم جامعه، پیر و جوان، زن و مرد، فرهیخته و کارگر و غیره باشند و در آثار خود به نحوی به بیان دردها، رنج‌ها، کاستی‌ها و ناملایمات زندگی مردم بپردازند. در این میان رمان معاصر اردن و ایران سهم بسیاری در پردازش به مضامین اجتماعی دو ملت داشته و دو رمان نویس مشهور،

(*) استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران (نویسنده مسئول)
a_farhangnia@sbu.ac.ir

(**) کارشناس ارشد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران
hani.meyhami75.96@gmail.com

يعنى عبدالرحمن منيف و على محمد افغانى در الأشجار و اغتيال مرزوق و شوهر آهو خانم در صدد ادای دین به جامعه خود برآمده و برآند مضامین اجتماعی را محور قرار داده و از دریچه آن، به جامعه نگریسته و در صدد بازخوانی، بازسازی و اصلاح امور برآیند. این جستار در تلاش است با روش توصیفی-تحلیلی و تطبیقی و با محوریت مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی، به بررسی تطبیقی مضامین اجتماعی در دو رمان پردازد. بخشی از نتایج، حاکی از آن است که فقر، فاصله طبقاتی، سیمای زنان، آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی، آزادی، ظلم و ستم، عشق و محبت، استعمار و مضامینی از این دست در هر دو رمان مورد بررسی قرار گرفته و از این لحاظ با یکدیگر مشابهت دارند. از جمله تفاوت‌های میان این دو، بسامد بیشتر برخی مضامین از جمله فقر است که هر چند در هر دو به معنای عام آن بکار رفته، اما علی‌محمد افغانی، فقر فرهنگی را بیشتر مد نظر دارد که در آن، بی‌تفاوتی، خشونت در رفتار نسبت به یکدیگر، دیگرآزاری، ساده‌اندیشی، تکبرورزی و خودخواهی نمود پیدا می‌کند.

واژگان کلیدی: مضامین اجتماعی، علی‌محمد افغانی، عبدالرحمن منیف، شوهر آهو خانم، الأشجار و اغتيال مرزوق.

١. مقدمه

رمان از نظر شکل و محتوا نسبت به بقیه هنرها، شاید به جز سینما، به طور مستقیم‌تری از پدیده‌های اجتماعی، مایه می‌گیرد و با وجود آنکه رمان‌ها غالباً وابسته به لحظات خاص تاریخ جامعه هستند، هنگام مطالعه آن‌ها باید توجه داشت که با نوعی هنر سر و کار داریم (زرافا، ۱۳۸۶: ۹). در همین راستا جامعه‌شناسی متن، باید ابتدا به دو نظریه تلفیقی پردازد: اینکه ارزش‌های اجتماعی، وجود مستقلی از زبان ندارند و اینکه واحدهای واژگانی، معنایی، ترکیبی (نحوی)، منافع جمعی را ترسیم می‌کند و می‌تواند دستمایه نزاع‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شود

(زیما، ۱۹۹۱: ۱۷۷). مطالعات اجتماعی پیرامون رمان به مراتب بیشتر از تحلیل‌های اجتماعی انتقادی متون شعری است و رمان، بر خلاف شعر غنایی که بیشتر به سمت دنیای روانی یا خود زبان گرایش دارد، به ترسیم مواضع و عملکردهای اجتماعی و تاریخی می‌پردازد. رمان به توصیف زندگی روانی و داخلی شخص می‌پردازد، نه صرفاً با تصویر محافل اجتماعی، بلکه افزون بر آن تحلیل‌های اجتماعی (همان، ۱۲۳). عبدالرحمن منیف، نویسنده مشهور اردنی (از پدری سعودی و مادری عراقی) است. وی قلم‌فرسایی در حوزه رمان را با اثر مشهور خود «الأشجار واغتيال مرزوق» آغاز کرد و پس از آن، آثار ارزشمندی از خود بر جا گذاشت که نشان از نگرش او به زندگی و حضور حماسی انسان در دیدگاه و اندیشه اوست. از منظر منیف «ادبیات به طور عموم و به ویژه رمان، از منظر منیف، باید در جامعه نقش داشته باشد. این نقش مبتنی بر ارزیابی واقعیت و در صورت امکان تغییر آن است. بر همین اساس آرمان رمان‌های منیف، دفاع از ارزش‌های انسان مانند آزادی، کرامت، عشق و ... است» (القادیلی، ۲۰۱۸: ۲۷۷-۲۷۸). علی‌محمد افغانی، رمان نویس مطرح ایرانی، با رمان «شوهر آهو خانم»، زندگی واقعی مردم کوچه و بازار و همچنین قشرهای محروم و سرکوب شده‌ی جامعه را با استفاده از بن‌مایه‌های اجتماعی ترسیم نموده و تراژدی عمیقی در میان مردم جامعه پدید می‌آورد. رمان در اردن را نمی‌توان از نمونه‌های مشابه آن در جهان عرب جدا ساخت؛ به طوری که به تبع متغیرهای اوضاع سیاسی، اجتماعی و انسانی که سرزمین عربی از یک سو با آن مواجه است، و روند تحولات هنری مؤثر در رمان عربی، تحت تأثیر شرایط اجتماعی و سیاسی قرار گرفته است (البطاینة، ۲۰۰۴: ۹). این جستار بر اساس مکتب آمریکایی، به بررسی تطبیقی مضامین اجتماعی دو اثر الأشجار و اغتيال مرزوق و شوهر آهو خانم می‌پردازد. نویسندگان آنها، به طور مستقیم، تحت تأثیر یکدیگر قرار نگرفته‌اند، ولی شرایط حاکم بر جامعه اردن و ایران، سبب پرداختن به موضوعات اجتماعی در این دو رمان شده است. نویسندگان در صدد پاسخ به پرسش‌های ذیل هستند:

- ١- بارزترین مضامین اجتماعی در این دو رمان، کدامند؟
- ٢- دلیل پرداختن منیف و افغانی به مضامین اجتماعی در رمان اغتیال مرزوق و شوهر آهوخانم چیست؟
- ٣- چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان مضامین اجتماعی این دو رمان وجود دارد؟

٢-١. پیشینه پژوهش

تاکنون مطالعات متعددی در خصوص آثار عبدالرحمن منیف و بویژه رمان الأشجار و اغتیال مرزوق صورت گرفته است که عبارتند از: در کتاب الجیران فی شرق المتوسط، الروایة السیاسیة بین الفارسیة والعربیة (أحمد محمود وعبدالرحمن منیف نموذجًا)، نوشته یدالله ملایری در انتشارات دار الطلیعة، شخصیت روشنفکر و مکان، رمان و تاریخ، زندگی‌نامه و رمان، زیبایی‌شناسی، نام رمان‌ها و پیش درآمدی درباره پیوند رمان و سیاست، گفتارهای آن را تشکیل می‌دهند و نوینسده در صدد مطالعه تطبیقی رمان سیاسی فارسی و عربی در آثار رمان نویس ایرانی، احمد محمود و رمان نویسی عرب، عبد الرحمن منیف برآمده است.

مرتضی زارع برمی و فاطمه کاظمی (١٣٩٩) در مقاله رئالیسم جادویی در رمان «الاشجار واغتیال مرزوق»، در مجله زبان و ادبیات عربی پاییز و زمستان ١٣٩٩ - شماره ٢٣، صفحه ١٨٧، بر این باورند که عبدالرحمن منیف این رمان را نوشت تا داستان زندگی منصور عبدالسلام و الیاس نخله را به عنوان افراد طرد شده و دور افتاده از جامعه روایت کند. منیف، طرد شدگی منصور و الیاس را محصول عقب ماندگی جامعه‌ی غربی و ظلم مقامات حکومتی می‌داند.

سمانه تقوی (١٣٩٧) در رساله خود تحت عنوان «بررسی رمان‌های الأشجار و اغتیال مرزوق، الشراع و العاصفة، و عائذ الی حیفا بر پایه‌ی نظریه‌ی ساختار گرایانه گریماس» با ارزیابی ساختارگرایی، روایت شناسی گریماس، بررسی رمان الأشجار

و اغتیال مرزوق بر مبنای نظریه گریماس، اهمیت این رمان، معنا شناسی عنوان، تحلیل ساختاری و محتوایی این رمان، به بررسی محتوایی و اهداف اصلی رمان و نقش آن در ایجاد کنش از قبیل آزادی، حقوق انسان، حق اعتراض، بررسی سطح ساختاری رمان می‌پردازد.

یسرا شادمان (۱۳۹۳) در رساله خود، تحت عنوان «الواقعية السحرية» به واقعیت خرافه پرستی و رمز در رمان‌های عبدالرحمن از جمله التیة، الأخدود، تقاسیم لیل و النهار، بادية ظل مات، الاشجار و اغتیال مرزوق، عالم بلاخرائط و رمان‌های دیگر نجیب محفوظ از جمله لیالی الف لیلة، اولاد حارتنا، رحلة ابن فطومة، عبث الأقدار می‌پردازد.

همچنین مطالعات متعددی در خصوص رمان شوهر آهو خانم صورت گرفته است که عبارتند از: زهرا کوچکی (۱۳۸۹) در مقاله‌ی «بررسی سیمای زن در رمان شوهر آهو خانم» در نشریه اندیشه‌های ادبی دوره ۲ شماره ۶ از صفحه ۸۵-۱۰۹ به عناوینی از جمله محتوا و سبک رمان، زن در رمان، معرفی و تحلیل شخصیت‌های اصلی زن از جمله آهو و هما، در رمان پرداخته‌اند. همچنین ویژگی‌های مشترک زنان در رمان مثل بی‌پناهی زن ایرانی، وابستگی زن به مرد، سلطه‌پذیری و اطاعت از شوهر، اعمال خشونت علیه زنان، اعتقاد به خرافات، سحر و جادو، پوشش، به دوش کشیدن بار اقتصادی، مسأله چندهمسری جلوه عشق را بررسی نموده و به این نتیجه رسیدند که آهو و هما دو نماد افراد سنتی هستند که خواهان نایل شدن به حق خود هستند و در رسیدن به هدف راه‌های متفاوتی می‌پیمایند و با راه حل‌های جدیدی آشنا می‌شوند.

نسرین علی‌اکبری و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله‌ی «بررسی و تحلیل بازتاب ادبیات اقلیمی در رمان شوهر آهو خانم» در مجله مطالعات انتقادی ادبیات فصلنامه دانشگاه گلستان سال دوم شماره پنجم در صفحه ۱-۱۸ به عناصر مادی و معنوی شهر کرمانشاه پرداختند. از قبیل بناهای تاریخی زبان و ادبیات و کلمات و اصطلاحات

اشعار و ضرب المثلها، حیوانات، گیاهان، اشیا، پوشاک و خوراک. نویسندگان این نتیجه رسیده‌اند که این رمان را می‌توان منبع مناسبی برای بسیاری از جامعه شناسان، زبان شناسان، فرهنگ پژوهان قرار دارد و فضای اصلی رمان را مسائل سیاسی و اجتماعی دوره پهلوی تشکیل می‌دهد و از نظر آداب و رسوم و اعتقادات دارای اهمیت است.

ملیحه قاسمی و یدالله جلالی پندری (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی تیپ شخصیتی شخصیت‌های رمان شوهر آهو خانم» در ادبیات پاریسی معاصر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال پنجم شماره اول صفحه ۸۵-۱۲۴ با بررسی تیپ شخصیت‌های اصلی با عناوینی از جمله سید میران و آهو و هما، به این نتیجه می‌رسند که تیپ شخصیتی سیدمیران، برون‌گرا، حسی فکری و تیپ شخصیتی آهو برون‌گرا، حسی فکری و احساسی و ساختار و تیپ شخصیتی هما برون‌گرا، حسی فکری و منعطف است.

۲. پردازش موضوع

۲-۱. جامعه شناسی ادبیات

ادبیات در تحلیل اجتماعی، مرهون شرایط اقتصادی و عینیت‌گرایانه جامعه است. هر یک از روش‌ها و سبک‌های آفرینش (ادبی)، روابط طبقاتی و برگرفته از رخدادهای اجتماعی است و اندیشه‌ها و عواطفی مرتبط با ارزش‌های ادبی و هنری را پدید می‌آورد که از ایده و وجدان گروه یا طبقه‌ای حکایت دارد که نویسنده بدان وابسته است. این نظریه به این سخن محدود نمی‌شود که ادبیات، صرفاً اندیشه و وجدان طبقه‌ی حاکم را همچون روابط اجتماعی انعکاس داده و با تغییر آن متحول می‌شود، بلکه به این موضوع اذعان دارد که ادبیات هر جامعه متناسب با شرایط اجتماعی و اقتصادی آن متحول می‌شود. بر همین اساس هر

ادبیاتی، طبقاتی می‌باشد؛ چرا که به صورت مستقیم، انعکاس اندیشه طبقه‌ای است که نویسنده بدان وابسته است؛ بنابراین اندیشه‌های خود را از آن روابط کاربردی استمداد می‌کند که مبنای شرایط اجتماعی او می‌باشد و این بدان معناست که شرایط اقتصادی عمومی، تعیین کننده اندیشه‌ها و ارزش‌های ادبی و هنری است (عزّام، ۱۹۹۶: ۱۳۵).

۲-۲. نگاهی به ال‌شجار و اغتیال مرزوق و شوهر آهو خانم

رمان ال‌شجار و اغتیال مرزوق به روابط تمدنی بین شرق و غرب و مظاهر روانی، اجتماعی و تاریخی آن‌ها می‌پردازد. این رمان اوضاع سیاسی و اجتماعی را نمایان می‌کند. شخصیت این رمان، منصور عبدالسلام، عقاید سوسیالیستی داشته و در حالیکه مترجم باستان شناسی است، آخرین تصویر از جامعه، او را دیوانه می‌کند. بعد از اینکه نسل او از تلخی شکست رنج می‌برد و دیگر نتوانست ادامه تصاویر مظلومیت و محدودیت آزادی را ببیند تا اینکه خبر «ترور مرزوق» را به او می‌دهند. خبر اینگونه است که او را نزدیک ایستگاه راه آهن پیدا می‌کنند و بعد از اینکه او را بررسی می‌کنند می‌فهمند که او مرزوق عبدالله معلم جغرافیا است که ۳۳ سال دارد. و به طوری که منصور می‌گوید: مرزوق یکی نیست، همه مردم مرزوق هستند، درخت مرزوق است و مرزوق همان الیاس نخلة است که نمی‌میرد و متوجه می‌شویم که موضع اصلی رمان در این خلاصه شده است که اول: قطع درختان رمزی است از بیان روابط تولید و تبدیل آن‌ها به سرمایه داری و دوم: ترور مرزوق مبارز آزادی - سیاسی نمادی از بحران آزادی و استبداد است (هویدی، ۲۰۱۹: ۶۳). این رمان، مثالی برای انعکاس شکست حزیران است. منیف سعی کرده است که نتایج تلخ شکست و آنچه را که تجربه کرده‌اند در این رمان منعکس کند (هویدی، ۲۰۱۹: ۶۰). این رمان به دو قسمت تقسیم می‌شود: زمان الیاس نخله و زمان منصور عبدالسلام. الیاس نخلة در قسمت اول داستان کسی است که درختان زیادی دارد و

اهالی روستا با ظلم و ستم درخت‌هایش را می‌گیرند و به زمین کشت پنبه تبدیل می‌کنند. الیاس ضربه روحی شدیدی به او وارد می‌شود به طوری که به سمت کوه آواره می‌شود و مدتی در آنجا زندگی می‌کند و بعد از مدتی اهالی روستا به او خبر می‌دهند که مادرش مریض احوال است و به روستا برمی‌گردد و مادر را از دست می‌دهد. بعد از دست دادن مادر دیگر نمی‌تواند در روستا بماند و به سمت شهر مهاجرت می‌کند و الیاس در شهر شغل‌های متفاوتی را برای ادامه زندگی انتخاب می‌کند. حوادث رمان با زندگی واقعیت اجتماعی تقریباً شبیه است و منیف هویت «طبقه کارگری» را با تنوع شغل‌های الیاس مثل (کارگر کافه - کفش پاک کن - کارگر ساختمانی - و . . .) نشان می‌دهد و اما منیف منصور را آدمی با سطح دانش، فرهنگ نمایان می‌کند (هویدی، ۲۰۱۹: ۵۸). منصور عبدالسلام در داستان کسی است که از کارش اخراج شده است و در صورتی که شغلش در راه رویایش بوده است و با از دست دادن شغلش، آرزو و رویایش متلاشی می‌شود و به همین دلیل است که در قطار به گذشته بر می‌گردد (الخطیب، ۱۴۰۴: ۳۹).

رمان شوهر آهو خانم رمانی است که در آن خلیقات و روحیات عامه‌ی مردم ایران به خوبی نشان داده شده است، یعنی محافظه‌کاری‌ها و حساب‌گری‌های به افراط کشیده شده‌ی خاص اغلب ایرانیان، در خلق و خو و اعمال و رفتار شخصیت‌ها دیده می‌شود. و پی‌آمد این محافظه‌کاری‌ها و حساب‌گری‌ها، رها شدگی‌ها رها شدگی‌ها و کارهای نامعقول است (میرصادقی، ۱۳۸۰: ۶۶۸-۶۶۹). این رمان به ترتیب زمانی هفت ساله از ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۰ صبوری و فداکاری زنی به نام آهو برای حفاظت از خانه و بچه‌هایش، بیخیالی مردی به نام سیدمیران برای ارضای هوس‌هایش و بو الهوسی‌های زنی جلف به نام هما از جهت زیبایی فتنه‌انگیز و تنوع طلبی‌هایش را در شهر کرمانشاه به تصویر می‌کشد و سرانجام میان گریه و خنده، صبوری بر زیبایی پیروز می‌شود (نگین تاجی، ۱۳۹۵: ۸۵). این رمان، از نظر شکل و محتوا و شخصیت‌پردازی هم ویژگی‌های رمان‌های فرنگی را دارد و هم خصوصیات قصه‌های بلند فارسی را.

به عبارت روشن‌تر از نظر شخصیت‌سازی و شکل و قالب، شوهر آهو خانم یادآور رمان‌های قرن نوزده اروپاست و از نظر اینکه این شخصیت‌ها کلی‌بافند. و هر کدام با زبان عام‌مانه، فضل فروشی و گنه‌گویی می‌کنند، و هویت فردی آن‌ها از میان مکالمه‌هایشان باز نموده نمی‌شود، تا حدودی به قصه‌های بلند ایرانی شباهت پیدا می‌کند. نکته دیگر اینکه محتوای کاملاً ایرانی دارد که بازگوکننده‌ی خصوصیات روحی و معنوی و قومی مردم ایران است (همان منبع، ۶۶۷).

۲-۳. مضامین اجتماعی رمان الأشجار و اغتیال مرزوق و شوهر آهو خانم عبدالرحمن منیف در الأشجار و اغتیال مرزوق و علی محمد افغانی در شوهر آهو خانم، هر دو به مسائل اجتماعی جامعه خود پرداخته و با نگاهی انتقادی، به آسیب شناسی آن پرداخته اند.

۲-۳-۱. فقر

موضوع فقر با مسائل حادی مانند قدرت، استثمار، نابرابری، تعارض و مسکنت بشری ارتباط دارد. مصرف اندک کالری و پروتئین دلیل گرسنگی و کمبود غذایی است که ارتباط آن با فقر آشکار است. کوتاه بودن طول عمر و بالا بودن میزان مرگ و میر کودکان با برخی از شرایط فقر ملازمت دارند. مانند بدی تغذیه، بدی بهداشت، و مسکن نامناسب. پایین بودن میزان سواد، دلالت بر اشتغال به کاری کم درآمد دارد (راچ و جانت، ۱۳۵۴: ۲۰). فقر و تنگدستی از جمله مشکلات اجتماعی گریبانگیر ملت‌های بسیار بوده است. در این میان، گاهی کمبود منابع طبیعی و به تبع آن، بیکاری، مردم را برای یافتن لقمه نانی جان هم انداخته است. تراژدی فقر و احساس ذلت و خواری مردمان فقیر و رؤیای آنان در دستیابی به عدالت اجتماعی، از طریق کسب مال، قدرت و موقعیت و جایگاه درخور و شایسته، از جمله دغدغه‌های ادبای هر عصر و روزگاری است. چهره فقر در سرتاسر رمان منیف به چشم می‌آید؛ به طوری که داستان آن با سفر منصور به فرانسه و آشنایی او با فردی در قطار و

بیان داستان زندگی خود با او شکل می‌گیرد. الیاس نخله شخصیت قسمت اول رمان است که به خاطر قطع درختانش توسط اهالی روستا دچار غم و اندوه، حسرت و پریشان حالی است. آنان درختان و زمین او را بی‌خاصیت و بی‌ثمره جلوه داده و می‌گویند: با وجود اینکه زمین داری، اما در روستا فقیر هستی. به نظر می‌رسد منیف فقر و فلاکت مردم عرب را در شخصیت‌هایی چون الیاس به تصویر می‌کشد: ذات یوم، قبل بذار القطن بشهر، کانت أشجار البستان قد ازدهرت و بدأت تخضر، جاء إلي الرجال وقالوا: «إن مواسم القطن يا الیاس جعلت منا أغنياء، وأنت الوحید في البلدة يملك أرضاً لا تعطیه مألًا...ألا تزال فقیراً يا الیاس» (منیف، ۲۰۰۵: ۴۷). در فاصله یک ماه گذشته، روزی قبل از کشت بذر پنبه، درختان باغ شکوفه داده بودند و شروع به سبز شدن کردند. مردان آمدند و گفتند: الیاس، فصل‌های پنبه ما را از ثروتمندان قرار داده است و تو تنها کسی در شهر هستی که زمین داری اما از آن پولی نداری.. الیاس آیا تو هنوز فقیر هستی؟

درخت در تمامی دوره‌ها، نماد زندگیست. و باورها و تمدن‌ها مختلف، معنای تحول و رستاخیز را می‌رساند(عبدالغنی، ۲۰۱۶: ۱۹۳). پس از رفت و آمدهای مکرر اهالی روستا، وی با فروختن درختان به اهالی روستا موافقت می‌کند، اما چیزی نمی‌گذرد و از کارش پشیمان می‌شود. پس از کاری که اهالی روستا با او انجام می‌دهند و درختانی را که ریشه بذر و امید در دل الیاس هستند، از او می‌گیرند و با توجه به شرایط پیش آمده در زندگی و از دست دادن درختانی که ارث پدر و تمام زندگی او هستند و با علاقه به آن‌ها رسیدگی می‌کند، این شرایط را تحمل نمی‌کند و پا به فرار می‌گذارد و از روستا می‌گریزد و به کوه می‌رود. مدتی در آنجا زندگی می‌کند و در تمام مدتی که در کوه به سر می‌برد از پرندگان و شکار تغذیه می‌کند و دچار آوارگی و سرگردانی است. با توجه به آنچه در خصوص فقر گذشت، می‌توان نقل مکان از جایی به جای دیگر، بی‌خانمانی، تغذیه نامناسب، آشفتگی روحی و روانی را از عوامل فقر دانست که منیف در این رمان با وجود الیاس نخله به تصویر

می‌کشد: نعم ذهب الی الجبل، و أصبحت أعیش هناک. کنت أعیش وحیداً. قطعت الطريق عده مرات. ولكن أغلب الأحيان کنت أعتمد علی الصيد فی تأمين ما أريد. و کنت فی الجبل أستغرق فی التفكير و الحزن، لکن منظر الأشجار لم یفارقني لحظة واحدة (منیف، ۲۰۰۵: ۵۱-۵۸).

بله به کوه رفتم و در آنجا شروع به زندگی کردم. تنها زندگی می‌کردم. چندین بار راه‌زنی کردم. اما بیشتر اوقات برای تامین چیزی که می‌خواستم به ماهیگیری متکی بودم و در کوه غرق در فکر و ناراحتی می‌شدم، اما منظره درختان لحظه ای از من جدا نشد.

گفتمان منیف در این بخش، عاری از انتشار اندوه و دردهای شخصی او نیست. رنج‌هایی که رنگ و بوی واقعی داشته یا زاده نیروی تخیل نویسنده باشند. چه بسا نزدیک‌ترین و صادقانه‌ترین این دردها، مواردی هستند که تجربه زیسته و واقعی خود نویسنده بوده یا تجربه‌ی دیگرانی است که نویسنده، صادقانه به بیان آنها می‌پردازد. در این بخش، منیف، برای بیان چنین تجربه‌ای بر زبان شخصیت الیاس نخلة، از رمزگانی همچون کوه کمک می‌گیرد. «کوه، مرکز جهان و محل تجمع صخره‌ها و شن‌های زمین و ابرها و بخار آسمان است و با صعود، تعالی، فرود و سقوط در ارتباط است. مکانی برای رهایی و ارتباط با خداوند و ترسیم زندگی و نیروهای هستی است» (عبدالحمید، ۲۰۱۸: ۷۳). این عنصر طبیعی، شخصیت رمان را بر آن می‌دارد تا در لاک تنهایی خود فرو رفته و با تدبر در عمق زندگی و راز هستی، برای برون‌رفت از دغدغه‌های خود، بیندیشد و راه حلی هم چون شکار را برای تامین نیازهای خود بیابد. هر چند منظره درختان، او را رها نمی‌کند. بنابراین کوه، کانون مکانی قابل توجه و متمایزی است که اندیشه و اندوه نیز در بستر آن شکل می‌گیرد.

در رمان شوهر آهو خانم، تصویری از فقر در ابتدای داستان وجود ندارد، اما به مرور و بعد از زن دوم میران و خرج و مخارج‌های اضافی هما در طول زندگی و

با از دست دادن مغازه نانوایی‌شان فقر کم کم پدیدار می‌شود. آنجا که سیدمیران دارای اعتبار است. او رئیس صنف نانویان شده و این اعتبار را به راحتی به دست نیاورده است. در ابتدای رمان از سختی‌هایی که با همسرش آهو کشیده و انتقال از روستا به شهر، یاد کرده و پله پله مراحل زندگیشان را مرور می‌کند. اما چه چیزی باعث می‌شود که او دارایی‌اش را که بعد از گذشت تلاش و سال‌ها سختی به دست آورده، از دست می‌دهد؟ ازدواجش با هما باعث بی‌پولی و از دست دادن اموالش می‌شود؛ زیرا هما زنی ولخرج و تنوع طلب است و مسافرت‌های پیاپی آن‌ها باعث بدهکاری و قرض سید میران و از دست دادن اموال و زمین و حتی نانوایی‌اش هم می‌شود. سید میران از این وضعیت آشفته می‌شود و روزی شروع به درد دل با آهو می‌کند و از بی‌پولی می‌گوید و در ادامه از تک تک بدهی‌های خود به آهو می‌گوید و از هما به خاطر ولخرجی‌های زیاد او، گله می‌کند: هشتاد و هفت تومان پول چرخ خیاطی روی دستم گذاشته، حال آنکه ماشین مثل قرآن در خانه یهودی همین طور بی‌مصرف جایی را اشغال کرده است. اولی را به اسم اینکه سرو صدا کرد عوض کرد، این یکی را به بهانه آنکه پارچه را جمع می‌کند، نخ را می‌برد، می‌خواهد بفروشد. به شما که پنج نفر هستید و هزار جور خرج لازم دارید، روزانه پانزده قران و به او که یک نفر است دو تومان خرجی می‌دهم، و تازه ظهر که می‌رسم می‌بینم باید بروم از بازار چیزی بخرم یا به ناچار هر دوی ما گرسنه بمانیم (افغانی، ۱۳۹۹: ۵۳۷). نویسنده در این قسمت، از تمثیل زیبایی برای ترسیم بیکاری و فقر استفاده می‌کند: (مثل قرآن در خانه یهودی). آنچنان که کلام خداوند در خانه یهودی، مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و مهجور واقع می‌شود، ماشین خیاطی و ممر درآمد او نیز بدون استفاده رها شده و از این وضع و ناتوانی در تأمین مایحتاج پنج نفر، عاجز مانده است. نوع نگاه سید میران به دست و پا زدن در فقر و تبعیض در رفتار او با آهو و هما در این قسمت، توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند: (به شما که پنج نفر هستید و هزار جور خرج لازم دارید، روزانه پانزده قران و به او که یک نفر

است دو تومان خرجی می‌دهم). پرداخت روزانه، پانزده قران به یک پنج نفر (آهو و فرزندان) و در طرف مقابل، دو تومان به یک نفر (هما)، و در عین حال گلایه از فقر، همگی حکایت از سرنوشت غم‌انگیز آهو در زندگی با سید میران دارد. زنی که مادر چهار فرزند است و سال‌های عمر خود را در کنار مردی (سید میران) سپری نموده که او از ساده‌ترین حقوق مشروع خود محروم می‌دارد و او قربانی ورود هوو به زندگی خود می‌شود. در این تصویر، «خواننده، نه تنها با سرنوشت این سه موجود که وابسته به طبقات متوسط هستند، بلکه با زندگی ده‌ها تن از کرایه‌نشینان و کارگران سید میران -مردمانی از بی‌چیزترین قشرهای اجتماع که اکثریت ملت ایران را تشکیل می‌دهند، -آشنا می‌گردد. برای آنان، دیگر روابط میان زن و شوهر، تنها مشکل زندگی نیست، بلکه تهیه نان روزانه، امیدواری به پیدا کردن کار، ترس از اینکه استاد یا کارفرما آنان را بیکار کند، ناراحتی از اینکه مجبور شوند در زیرزمینی کوچک و نمور به سر ببرند، تهدید پیوسته بیماری و اندیشه یک مشت زغالی که زمستان با آن کدسی‌شان را گرم کنند، برای آنان اندوهی بزرگتر از مشاجره دائمی با زن و بچه فراهم می‌کند» (علوی، ۱۳۴۲: ۱۳۷). فقر موجود در زندگی سید میران در فصل‌های پایانی یکی از دغدغه‌های او می‌شود و تا جایی که او را وادار می‌سازد مال و اموال خود را بفروشد و همراه زن دوم از کرمانشاه بگریزد.

۲-۳-۲. فاصله طبقاتی

در جوامعی که ثروت‌ها و منابع طبیعی که بر اساس آیات قرآن کریم برای بهره برداری همه‌ی مردم آفریده شده در اختیار گروه خاصی قرار می‌گیرد و اکثریت مردم از آن بی‌بهره‌اند، فقر فراگیر می‌شود و به تدریج فاصله طبقاتی افزایش می‌یابد. هر چند خصوصیت‌های شخصی طبقه‌ی فقیر چون تنبلی- بیکاری، پایین بودن سطح فرهنگی و برخی عوامل طبیعی و اقتصادی و اجتماعی در تهیدستی کم درآمدها موثر است، اما در بیشتر موارد سبب اصلی ستم، سرمایه دارانی هستند که تنها به سود خود می‌اندیشند (اصغری پهلوان، ۱۳۹۵: ۸۶). منیف فاصله طبقاتی را

در این رمان میان عالم شرق و غرب نشان می‌دهد. منصور عبدالسلام که گویی در دانشگاه بلژیک تحصیل کرده است و می‌خواهد با دختری بلژیکی ازدواج کند، به علت تفاوت‌هایی که از شرق و غرب می‌بیند پشیمان می‌شود و اینگونه برای کاترین بیان می‌کند: کاترین . . . بلادی کبیره، تشرق علیها الشمس ولا تغیب، و الناس عندنا لا یعرفون شیئاً غیر ان یتناسلوا، إنهم کثیرون . . . کثیرون جداً، و کل یوم یزدادون. انهم ینامون ویتناسلون، فی اللیل والنهار. العائلة الصغیره عشرة. والناس یأکلون الخبز والزوان، لأنهم لا یجدون شیئاً آخر یأکلونه. إنهم یبکون کثیراً، وربّما أصبحوا من الحزن مرضی وکذلک من الجوع (منیف، ۲۰۰۵: ۲۴۶). کاترین ...کشور من بزرگ است، خورشید در آن طلوع می‌کند و غروب نمی‌کند و مردم ما چیزی نمی‌دانند جز اینکه تولید مثل می‌کنند، آن‌ها بسیارند...واقعاً بسیارند، و هر روز بیشتر می‌شوند. آن‌ها می‌خوابند و تولید مثل می‌کنند، در شب و روز. خانواده کوچک ده نفر است و مردم نان و گیاه تلخه می‌خورند؛ زیرا آن‌ها چیز دیگری برای خوردن پیدا نمی‌کنند. آن‌ها بسیار گریه می‌کنند، و چه بسا بر اثر ناراحتی و گرسنگی بیمار می‌شوند. منیف تفاوت بین شرق و غرب را از زبان منصور برای کاترین بیان می‌کند و اینکه جهان شرق را یک دنیای از پیش پا افتاده، فقیر، با مردمانی خشمگین بیان می‌کند و اینکه جهان غرب را با مردمانی روشنفکر، دارای سطح رفاه خوب، مردمانی آرام به تصویر می‌کشد و در پایان اینگونه تفاوت را بیان می‌کند: لا ارید ان أحزنک یا کاترین، ولکن کل شیء فی بلادنا مقلوب علی رأسه، من أجل ان یوقفوه علی قدمیه، و هولاء الأنبیاء لیسوا موجودین، ولکن کل رجل یجب ان یحاول، نعم ان یحاول، لعله یكون نبیاً (منیف، ۲۰۰۵: ۲۴۷). نمی‌خواهم ناراحتت کنم کاترین، ولی همه چیز در کشور ما وارونه است. برای اینکه او را روی پایش بگذارند. اینان پیامبرانی هستند که وجود ندارند، ولی هر انسانی باید تلاش کند، بله باید تلاش کند، شاید پیامبری شود. در رمان شوهر آهو خانم رمان به طبقه اجتماعی ثروتمندان اشاره چندانی نشده است. افغانی در این رمان، فاصله طبقاتی را توسط میران نشان می‌دهد که رئیس

صنف نانوایان است. وی در ابتدا مغازه نانوایی دارد و سپس رئیس صنف نانوایان می‌شود و ازنظر مالی به شرایط مطلوبی می‌رسد و با وجود درآمد خوبی که دارد به افرادی که توان مالی کمتری دارند هم کمک می‌کند. از جمله کمک کردن به خانواده‌ای که پسرشان برای تشکر نزد سید میران به مغازه رفت: پسرکی در لباس کازرونی مدرسه برای نانی که از داخل دکان برداشته بود عوض پول به سید میران مهر کاغذ داد و با ادب و احترامی که خود را از قبل برای آن آماده کرده بود گفت: مادرم به شما دعا و سلام رساند و گفت که بگویم مهر ما تمام شده است، این آخری آن‌هاست. (افغانی، ۱۳۹۹: ۴۵). نویسنده در این قسمت، پسرکی ساده‌پوش از خانواده‌ای تهیدست را به تصویر می‌کشد که حتی از پول کافی برای خرید نان بی‌بهره است و به جای آن، آخرین مهر کاغذ را به صاحب نانوایی می‌دهد. این بخش، طبقه تهیدست و زحمتکشی را ترسیم می‌کند که با وجود رنج بسیار، موفقیت آنچنانی را در زندگی خود کسب نکرده و جایگزین رنج و محنت آنان، چیزی جز عذاب و ناامیدی نیست. آنهایی که مدام به دنبال تحقق بخشیدن به آرمان‌های خود هستند، اما فقر، آنان را از این مهم باز می‌دارد. در خصوص طبقه محروم در این رمان می‌توان گفت: هما قبل از ازدواج با سیدمیران جزء این طبقه اجتماع محسوب می‌شد. حاجی بنا (شوهر سابق هما) همایون و کتابیون (بچه‌های هما)، کارگران سیدمیران، مستأجران خانه‌ی سیدمیران در این طبقه اجتماعی قرار می‌گیرند. طبقه متوسط، نیز مهمترین طبقه اجتماعی پرداخته شده در رمان است. سید میران سرابی (رئیس صنف نانوایان)، آهو خانم (همسر سیدمیران) کلارا و بهرام و بیژن و مهدی (چهار فرزند میران و آهو خانم) و هما بعد از ازدواج با سیدمیران وارد این طبقه اجتماعی می‌شود (عاملی رضایی و زارع، ۱۳۹۵: ۴۸).

۳-۲-۳. آسیب‌های اجتماعی

هر یک از آثار ادبی می‌توانند ابزار بیانی مناسبی برای به تصویر کشیدن واقعیت‌های جامعه و تبیین روابط میان انسان‌ها باشد، اما رمان به دلیل برخورداری

از ساختار توصیف و تشریح، در مقایسه با سایر انواع ادبی، قابلیت بیشتری در بازتاب نوع زندگی، دغدغه‌ها، آمال و آرزوها و نیز پدیده‌های نابهنجاری چون بی‌عدالتی، اعتیاد، فساد و فحشا، می‌بارگی و دیگر مظاهر مفسد اجتماعی دارد (ذراتی و نصر اصفهانی، ۱۳۹۵: ۹۸۵). منصور و الیاس نخله در قطار با هم آشنا شدند. الیاس شروع به گفتن داستان زندگی خود می‌کند. دردهایی را که در زندگی برایش پیش آمده برای منصور بازگو می‌کند و در میانه حرف به او شراب تعارف می‌کند. گویی اینجا شراب را نوشیدنی برای فراموشی درد و اندوه خود می‌داند: تفضل .. لنشرب ... أفضل شرب أن يشرب الإنسان لكي ينسى (منیف، ۲۰۰۵: ۲۸). بفرما.. بنوشیم.. بهترین نوشیدنی این است که انسان بنوشد تا فراموش کند. و منصور در آن لحظه سخن مادرش را به یاد می‌آورد که گفته بود شراب نوشیدنی حرام است: لا.. لا أكل خبزًا وشايًا. هذا ليس أكلاً. تقول أمي: كان النبي يا ولدي يغمس خبز القمح بخبز الشعير. حرام عليك. (منیف، ۲۰۰۵: ۲۹). نه.. نه من نان و چای می‌خورم. این غذا نیست. مادرم می‌گوید: پیامبر، پسر، نان گندم را در نان جو فرو می‌کرد. بر تو حرام است.

افغانی نوشیدن شراب را در این رمان اینگونه توصیف می‌کند. ابتدا شراب توسط هما نوشیده می‌شود و آن را لذت بخش می‌داند و به سید میران که مردی پرهیزکار و با تقوا است و این نوشیدنی را به اجبار و زور تعارف می‌کند و میران آن را گناه آلود و نجس می‌داند: هما استکان را به لب نزدیک کرد و در دو جرعه نوشید. رویش را در هم کشید. سید میران نیز چنانکه گویی خورده باشد به تقلید او روی خود را در هم کشید زن، قاشق انار به دهان گذاشت و با اطمینانی بیشتر استکان دوم را ریخت. نزدیک به شوهر نشست و آن را زیر بینی وی گرفت. سید میران رویش را برگرداند هما اصرار کرد: مرد دستش را کنار زد و از همین حرکت استکان لب پر زد. چیزی از محتوی آن بر سر شانه و روی دامن پیراهن او ریخت و با رنجشی کاملاً جدی به او تند شد: آه دیدی چکار کردی، پاک آلوده شدم. تو اصلاً

روح شیطان در بدن داری. لعنت بر تو (افغانی، ۱۳۹۹: ۴۲۳)، اما در فصل‌های بعدی رمان، سید میران، مردی که در تقوا، نماز، دینداری زیانزد بود و گویی میران توسط این زن (هما) جادو شده است به خوردن شراب روی می‌آورد.

۲-۳-۴. استعمار

استعمار در لغت به معنای «طلب عمران» و «آباد کردن» است و در این معنا معادل اولیه‌ی «کولونیزاسیون» است که مقصود از آن مهاجرت گروهی از یک کشور و تشکیل یک واحد مسکونی جدید در سرزمین تازه است اما معنای دیگر و رایج‌تر آن که امروزه بکار می‌رود، تسلط سیاسی، نظامی - اقتصادی یک ملت قدرتمند بر یک سرزمین یا قوم یا ملت ضعیف است (آشوری، ۱۳۵۸: ۱۵-۱۹). عبدالرحمن منیف به نفوذ استعمار انگلیس به عراق در این رمان اشاره می‌کند و اینگونه دخالت بیگانگان و نفرت و بیزاری مردم عرب را از انگلیسی‌ها و یهودی‌ها به تصویر می‌کشد: جيش الإنقاذ اجتاز في الليل صفا، المجاهدون يتقدمون في السهل الساحلي و يسيطرون على باب الواد. انتظروا الأيام القادمة! جاء وقت الحساب. الإنكليز هم أعداؤنا. اتكلوا على الله يا رجال! هذه أموال منهوبة. إنها أموال أخوتكم، إنَّها للعرب، ليس لليهود كما يقول هذا الرجل! لا.. لليهود (منیف، ۲۰۰۵: ۲۱۸). ارتش نجات شبانه از صفا گذشتند، مجاهدین در دشت ساحلی در حال پیشروی هستند و باب الوادی را کنترل می‌کنند. منتظر روزهای آینده باشید! وقت حساب آمد. انگلیسی‌ها دشمنان ما هستند. به خدا توکل کنید ای مردان. این پول‌ها غارت شده‌اند. این پول برادران شماست. برای اعراب است، برای یهودی‌ها نیست همانطور که این مرد می‌گوید! نه.. برای یهود.

رمان شوهر آهو خانم در سال‌های ۱۳۲۰ نوشته شده است که در آن زمان محمدرضا شاه به سلطنت نشست و ایران تحت نفوذ مستعمره انگلیس و روسیه قرار گرفت و حاشیه‌های جنگ جهانی دوم هم در رمان دیده می‌شود به طوری که مردم را هم نگران کرده است. میران در گفتگویی می‌گوید: «اگر خدای نکرده آتش

جنگ به این مملکت هم سرایت کند چه خواهد شد؟! باید نمایندگان دو صنف بنشینند و اگر نمی‌توانند یک فکر اساسی برای موضوع بکنند لااقل ترتیبی بدهند که خسارت روی کلیه اعضاء دو صنف سرشکن شود» (افغانی، ۱۳۹۹: ۷۲۳). شاگرد میران از نفوذ انگلیس به کرمانشاه می‌گوید: قشون موتوریزه انگلیس دیشب از مرز خسروی و قصر شیرین گذشته اند؛ امروز به وقت ظهر از پاتاق سرازیر شده‌اند. رادیوهای خارجی دو ساعت پیش گفته‌اند که امشب کرمانشاه محاصره و فردا اشغال خواهد شد. پادگان شهر به کلی تار و تفرقه و سرباز خانه‌های خالی مانده به وسیله اوباش و اراذل با مردم گرسنه و بی کار غارت شده است (افغانی، ۱۳۹۹: ۷۸۷).

۲-۳-۵. آزادی

دموکراسی در ذهن مردم -بیشتر- جنبه‌ای سیاسی دارد و موضوع آزادی، چالش‌های بسیاری را برای آنان ایجاد می‌کند. گاهی شامل مضمون اساسی به معنی آزادی بیان، نوشتار، انتشار، اندیشه و پرداختن به حقوق سیاسی است و بدین مفهوم، به دموکراسی نزدیک است و مسیر را برای آن هموار می‌کند، اما در سطح اجتماعی و انسانی، بهداشتی، مفهومی نسبی داشته و تعریف آزادی در هر جامعه، متفاوت از دیگری است. آزادی به مفهوم انسانی آن، حق آزادی بشر از انسانیت خود از طریق رفتارهایی است که در مجموع، انسانیت انسان را تکمیل می‌کند و تمامی عوامل غیر همسو با انسانیت او را پشت سر می‌گذارد (الأزرعی، ۲۰۰۲: ۶۲). آزادی در رمان الأشجار واغتيال مرزوق، جلوه‌های متنوعی دارد: از آزادی تردد و آمد و شد و خروج از کشور و بازگشت به آن گرفته تا آزادی در اقامت در مکان مد نظر شخصیت‌ها است. چه بسا این آزادی، ناشی از بحرانی اقتصادی و به منظور «کسب رزق و تحصیلات» باشد. کما اینکه شرایط در خصوص الیاس نخله چنین است. او که برای کسب رزق به همه جای کشور سرک کشیده است: - إلی این ترید آن تسافر؟ - لیس أمامی مکان محدّد. أرید أن أبحث عن عمل، اینما أجد عملاً (منیف، ۲۰۰۵:

۳۲۰). - به کجا می خواهی سفر کنی؟ - جای خاصی ندارم. می خواهم دنبال کار بگردم، هر کجا کاری پیدا کردم. چه بسا گریز از شرایط بحرانی میهن باعث مطالبه حق آزادی آمد و شد، می گردد. آنگاه که متصور حوالی دو سال و هفت ماه برای دستیابی به پاسپورت برای ترک میهن و رهایی بخشیدن به خود منتظر می ماند: مَنْ یصدّق أنّی انتظرت سنتین وسبعة شهور من أجل جواز السفر؟ (همان).

۲-۳-۶. وطن

وطن در اصطلاح به سرزمینی که انسان در آن اقامت دارد گفته می شود و شبیه به منزل است. پس یعنی منزل به مکانی کوچک گفته می شود که فرد با خانواده اش در آنجا زندگی می کند ولی وطن منزل بزرگی است که تعداد زیادی از افراد هر خانواده را شامل می شود (ترکی، ۲۰۱۹: ۱۲۱). منصور عبدالسلام وطنش را دوست دارد و به صورت آشکار از آن می گوید و به وطنش عشق می ورزد و بیان می کند که وطن جایی است که در آن زندگی کرده است و برای آن تلاش کرده و مردمانش را دوست دارد: الوطن! تصور هذه الكلمة کم هی کبيرة و خبيرة. الوطن کما أصبحت مقتنعا، وبعد مريرة دامت اکثر من عشرين سنة، الوطن المکان الذی يعمل فيه الانسان، بین الرجال الذین يعرفهم ويحبهم. لقد أصبحت واقعيًا. زالت من ذاكرتي الأفكار الحاملة، لم أعد أفهم الأشياء کما كانت تقال، أصبحت لها دلالات صلبة، حارة، و من أجلها يمكن، أن أحارب! (منيف، ۲۰۰۵: ۲۳). وطن! تصور این کلمه چقدر شگرف و ویژه است. همانطور که پس از تلخی بیش از بیست ساله بدان قانع شدم. وطن جایی است که انسان در آن، میان مردانی که می شناسد و دوست دارد، کار می کند. واقع بین شده ام. افکار خیال انگیز از خاطرم رفته اند، دیگر آنچنان که می گویند، متوجه اشیا نمی شوم. مفاهیم سنگین و داغی پیدا کرده و ممکن است برای آن، بجنگم!

منيف از طريق منصور عبدالسلام عشق به وطنش را در رمان نشان می دهد. و از اینکه منصور وطن را بخاطر کار، فقر، ظلم و استبداد حاکمان ترک می کند

بسیار ناراحت است. موضع شخصیت اصلی در این رمان نسبت به میهن، اینگونه است که در مقابل آنچه به او ارائه می‌شود، دست کشیدن از میهن را نمی‌پذیرد و امیدوار است که ساکنان آن و مردم، آنجا را ترک نکنند و ایشان را نسبت به حفظ و نگهداری آن تشویق می‌کند تا کرامت خود را حفظ کنند. چنین نگرشی، حاصل این باور اوست که بدین موضوع اشاره دارد که زمین به منزله روح است و دست کشیدن از آن، در معرض خطر قرار دادن زندگی و کرامت انسان است و این چه زندگی است که بدون کرامت و ارزش، بدان راضی شویم. در واقع منیف بر این باور است که وطن، یک شیء بزرگ و مخاطره آمیز در زندگی ماست و دوگانه‌های امنیت و سلامتی، روزی و بیکاری، عشق و نفرت، سیری و گرسنگی و فقدان و آرامش را در خود دارد (شهاب، ۲۰۰۹: ۱۱۲).

افغانی در شوهر آهوخانم از عناصر فرهنگ عامه استفاده کرده است. وی با به کارگیری این عناصر، گامی در جهت زنده کردن این عناصر و زدودن غبار از آنها برداشت. وی با نگرشی خاص در بسیاری از داستان‌های خود و با توجه به شخصیت‌ها و فضای داستان به صورتی مطلوب از عناصر فرهنگ عامه بهره برد. شوهر آهوخانم از اسامی افرادی استفاده می‌کند که در میان ملت ریشه‌های عمیقی دارد: «در دنیا جنگ بود و در جنگ، غارت و ویرانی و قتل نفوس. اما مرد به او اطمینان داد که مملکت او بحمدالله از آسیب جنگ به دور است و در امن و امان کامل به سر می‌برد. آن شیرزادخان شیردره‌ای^(۱) که مثل روباه در لانه‌ی مرغ دولت‌های اروپایی را یکی پس از دیگری لُت و پار کرده بود شکر خدا با دولت ایران دوستی ناگسستنی داشت!» (افغانی، ۱۳۵۷: ۶۹۵). تمرکز نویسنده در این قسمت، بر وطن، یعنی ایران و دور ماندن آن از گزند آسیب‌های شخصیتی افسانه‌ای در داستان اسکندرنامه با نام شیرزادخان است.

(۱) شیرزادخان شیردره- یل نابکاری در داستان اسکندرنامه که یک قهرمانان ایرانی را به طور غم‌انگیزی کشت و عاقبت خود به دست محمد شیرزاد دوپاره شد.

۲-۳-۷ سیمای زن

زن در شهرهای منیف، از شرایط و جایگاه خود مطلع است. جامعه او را مجبور به ماندن در خانه نموده و اینکه از مرد، فرمانبردار باشد و بدین ترتیب ادعای حاکمیت را مبنی بر اینکه نظام، بر پایه‌ی شریعت اسلامی است، مردود می‌داند؛ چرا که حاکمیت، این شریعت را نقض نموده و به موجب آن عمل نمی‌کند و حق زن را در دستیابی به شغل در ادارات رسمی ادا نمی‌کند (شهاب، ۲۰۰۹: ۴۸۸).

فرستنده (نیاز) ← موضوع (شغل) ← گیرنده (خانواده)

نویسنده در این رمان، از شرایط زنان راضی نیست. بدون اینکه به نظر او رجوع شود یا اینکه تمایل او برای انتخاب همسر مناسب، مد نظر قرار گیرد، ازدواج می‌کند. «ولا یزید عمرها عن إحدى عشرة سنة وتكون هذه الزوجة العاشرة بعد تسع زوجات مات منهن أربع أو خمس أثناء الولادة والأخريات يجلسن في الزوايا يفركن الأرجل ویسبحن» (منیف، ۲۰۰۸: ۲۶۴). او یازده سال بیشتر ندارد و این همسر دهم بعد از نه همسر است که چهار یا پنج تن از آنها هنگام زایمان فوت کردند و بقیه در پستوها نشسته، پاهای آنها را به هم می‌سایند و تسبیح می‌گویند.

در اینجا نویسنده به موضوع تعدد زوجات اشاره دارد که از لحاظ شرعی باید با عدالت و مساوات با آنان برخورد شود. «فإن خفتم أن لا تعدلوا فواحدة» (نساء/۲). از چنین موضوعی، اینگونه برداشت می‌شود که نویسنده از این موضوع غافل شده و احترام و کرامت زن، به واسطه چندهمسری از یک سو و از سوی دیگر، ازدواج در این سن کم (یازده سالگی) از سوی دیگر، از دست می‌رود. ضمن اینکه از لحاظ اجتماعی و پزشکی نیز، شخصیت زن در این رمان، همچنان در مرحله پختگی قرار نگرفته و متحمل آسیب‌های فراوانی می‌شود.

در خصوص شرایط نابسامان بر خورد با زنان در جامعه، منیف این چنین به بررسی اوضاع اسفبار می‌پردازد: «فهؤلاء الملوک الصغار یضربون زوجاتهم یشدون شعورهن ویصرخون فی وجوه الأطفال ویجبرونهم علی أن یناموا جیاعاً» (منیف، ۲۰۰۸: ۲۴۶).

این‌ها پادشاهانی هستند که زنان خود را با کشیدن موهایشان کتک می‌زنند و در صورت بچه‌ها فریاد می‌کشند و آن‌ها را مجبور می‌کنند که گرسنه بخوابند. همانطور که از عنوان رمان شوهر آهو خانم پیدا است افغانی توجه ویژه‌ای به زنان جامعه خود داشته است و آن را در قالب شخصیت آهو برای مخاطب بیان می‌کند. افغانی دو زن را در این رمان برای مخاطب به تصویر می‌کشد، هما که زنی بی پروا و حیله‌گر و گستاخ است و با مکر و حیله به زندگی میران وارد می‌شود و در تمام داستان از عشوه‌گری‌ها و حیله‌های او می‌گوید و در طرف دیگر آهو است نمایانگر زنی نجیب و ستم دیده از جانب شوهر است و هیچ اختیاری برای نجات زندگی کنونی‌اش از این وضع ندارد و با وجود ظلم‌هایی که از طرف شوهر می‌بیند اما باز هم به زندگی خود ادامه می‌دهد و نشانگر زن و مادری مهربان، وفادار و فداکار است که نمونه‌ی بیشتر زنان جامعه‌ی ایرانی است که اگر حتی اعتراضی بر شوهر خود کند کتک می‌خورد و ضرر می‌بیند. آهو شخصیت اصلی رمان است و نمایانگر زنی وفادار، خانه دار، پاکدامن و ایثارگر است. در این رمان زنان دارای شخصیت‌هایی متزلزل، عجول و بی‌خرد هستند و به گونه‌ای که نویسنده شخصیت آن‌ها را حقیرآمیز جلوه می‌دهد. و افغانی به پایمال شدن حقوق زن، در قشر متوسط جامعه توسط شوهر می‌پردازد. «آهو خواه ناخواه می‌بایست به زندگی هووداری که شوهرش به او تحمیل کرده بود تن در دهد؛ بسوزد و هر طور هست با وضع جدید بسازد. اگر سید میران مردی بود که شاهین عدل و انصاف را میان دو همسر راست نگه می‌داشت و اگر هما به حق خود قانع بود او چندان غمی نداشت؛ اما نه شوهرش چنان مردی بود و نه هوویش چنین زنی» (افغانی، ۱۳۹۹: ۳۳۲).

افغانی در شوهر آهو خانم از زبان شخصیت زن داستان، یعنی هما، آزادی از نگاه یک زن را به عنوان عضوی از جامعه به این صورت و در غالب اعتراض و گلایه مطرح می‌کند: مارگزیده‌ای هستم که از ریسمان سیاه و سفید می‌ترسم و

بالاخره، همه‌ی مردان را نمی‌شود با یک چوب راند. قبول می‌کنم که تا حدّی حق با شماست، ولی حرف دل و خصلت باطن خود را نمی‌توانم پنهان دارم که تا چه اندازه از زمختی و زور بیزارم. این رشته ابریشمینی که از یک «قبلت» به گردن دختران حوا می‌اندازند و هیچ شمشیری جز اراده‌ی خودکامه‌ی شوهر، قادر به گسستنش نیست، می‌تواند زن را به پای خود به هر کجا که می‌خواهد ببرد، اما جایز نیست لاشه‌اش را روی زمین بکشاند (افغانی، ۱۳۹۲: ۱۱۵۲). افغانی در این قسمت، آزادی زن را مد نظر قرار داده و با زبانی گلایه‌آمیز، این آزادی را برای زنان متأهلی که شرایط بسامان و مناسبی در زندگی ندارند، از دست رفته می‌پندارد؛ چرا که این زن، از آزادی در تصمیم‌گیری برای خود درمانده و عاجز است. همچنان که می‌گوید: مردم نان خودشان را می‌خورند. پشت سر این و آن چرت و پرت می‌گویند. پس آدم توی این ولایت کار صواب هم نمی‌تواند بکند. اگر زن جوانی را شوهر بی‌غیرت و الدنگش ول کرد، به راه رضای خدا، مردم می‌گویند باید مثل سگ زخمی یک تپیا هم به او زد تا برود و بگندابها پناه ببرد، تا برود و از معروفه‌خانه‌ها سر در بیاورد. جامعه‌ی کور و بی‌تشخیص با مردی که زنش را به کوچه می‌راند، حرفی ندارد بزند (همان منبع، ۲۳۳).

وجه تشابه و تمایز شوهر آهو خانم و الأتجار واغتیال مرزوق

از آنجایی که بر اساس مکتب آمریکایی، دامنه ادبیات تطبیقی، را می‌توان تا آنجا گسترش داد که بتوان نقاط مشابه میان دو یا چند ادبیات را مشخص ترسیم کرد؛ هر چند از لحاظ تاریخی، اثرگذاری یکی بر دیگری به اثبات نرسیده باشد؛ در همین چارچوب می‌توان به موارد ذیل در خصوص وجه تشابه دو رمان اشاره داشت: علی‌محمد افغانی در شوهر آهو خانم، به دنبال ترسیم خلیقات و روحيات عامه‌ی مردم ایران است و از این منظر، رمان او، از نظر قالب و محتوا، و شخصیت‌پردازی، هم ویژگی‌های رمان‌های فرنگی را دارد و هم خصوصیات قصه‌های بلند فارسی.

رنالیسم اجتماعی این اثر بسیار قوی است. شخصیت‌ها در جای خود قرار دارند و ارتباط ارگانیک خود را با کل جامعه، در فضای زمانی و مکانی، به نحو مطلوبی حفظ کرده‌اند. همین رویکرد واقع‌گرایانه اجتماعی الأشجار و اغتیال مرزوق نیز به چشم می‌خورد؛ به طوری که در عبدالرحمن منیف در تلاش است با تکیه بر تمدن پیشین، یک زندگی آزاد و معاصر را برای جامعه رقم بزند. از همین رو نویسنده در خلال رمان، بانگ بر می‌آورد که جامعه باید ساختارهای جدیدی را بیافریند که همه افراد جامعه را در بر می‌گیرد. حوادث رمان نیز تقریباً شبیه واقعیت اجتماعی است و منیف، هویت طبقه کارگری را با تنوع شغل‌ها نشان می‌دهد. در همین راستا، آزادی در اجتماع و بهره‌مندی از حقوق اولیه شهروندی در جامعه از نقاط مشترک در هر دو رمان است.

افغانی و منیف به طور مشترک از تفاوت میان شرق و غرب سخن گفته‌اند. منیف این تفاوت را از طریق گفتگوی منصور عبد السلام با کاترین بیان می‌کند و افغانی هم این تفاوت را به صورت کشف حجاب، تنوع در طرز پوشیدن لباس‌ها که از جامعه غرب تأثیر گرفته نشان می‌دهد.

در خصوص نقاط اختلاف رمان شوهر آهو خانم و الأشجار و اغتیال مرزوق نیز می‌توان گفت: در ماجراهای شوهر آهو خانم، شکل سنتی خانواده ایرانی و وضعیت زن ایرانی در چارچوب سنت‌ها و قراردادهای مسلط بر خانواده و جامعه به خصوص در طبقه متوسط، تجلی یافته است، این در حالی است که الأشجار در ابتدای دهه هفتاد نوشته شده، از فروپاشی اتحاد مصر و سوریه، یعنی نخستین گام وحدت بخش سیاسی مورد اعتماد در تاریخ نوین عرب حکایت دارد و در وهله بعد نشان از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ و شکست خفت‌بار امت عربی است. منیف در تلاش است نتایج تلخ شکست و آنچه را تجربه کرده‌اند، در این رمان منعکس کند؛ بنابراین تمرکز بر خانواده و وضعیت زن، در الأشجار و اغتیال مرزوق جایی ندارد؛ بنابر این محدوده مکانی شوهر آهو خانم، جامعه ستم‌دیده ایران، طبقه متوسط

شهری و فقیر است در حالی که محدوده مکانی الأشجار و اغتیال مرزوق، جهان عرب و مشکلات گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که عرب‌ها با آن دست به گریبان هستند. افغانی در لابلاي مضامین اجتماعی به گرانی و قاچاق نیز پرداخته و این در حالی است که منیف از این مضامین سخنی نگفته است. از سوی دیگر، آزادی زن و حقوق آن، از جمله ازدواج، و طلاق در شوهر آهو خانم، محوریت دارد، در حالی که منیف هیچ تمرکزی بر چنین موضوعی نداشته است.

الأشجار و اغتیال مرزوق رمانی است که به مضامین سیاسی و اجتماعی پرداخته و شخصیت نویسنده که فردی در سیاست بوده، در تمام رمان منعکس شده است و چون منیف در کشور ثابتی ساکن نبوده، این شیوه زندگی در رمان اثرگذار بوده و آوارگی و هاجرت خود را در در شخصیت‌های رمان منعکس نموده و سخنی از خانواده به میان نیامده است، اما شوهر آهو خانم، رمانی خانواده محور است و نویسنده نقش و اهمیت خانواده ایرانی را بسیار پررنگ بیان می‌کند و حتی خانواده را عامل خوشبختی، سعادت زن و شوهر فرزندان داستان می‌داند.

نتایج

۱. عبدالرحمن منیف و علی محمد افغانی به ترتیب در رمان الأشجار و اغتیال مرزوق و شوهر آهو خانم، دو جامعه سرخورده را به عنوان چارچوبی مکانی برای حوادث و شخصیت‌ها انتخاب نموده و با ترسیم شرایط جامعه، در صدد تغییر نگرش مردم جامعه نسبت به واقعیت پیرامون خود برآمدند؛ بنابراین نگاه دو نویسنده به جامعه در رمان، همچون دو لنز دوربین است که بر روی ظرایف و زوایای پنهانی که کمتر مورد توجه قرار گرفته، تمرکز نموده و با ترسیم شرایط فعلی، آینده‌ای روشن را برای آحاد جامعه ترسیم می‌کنند.
۲. دلیل پرداختن منیف و افغانی به مضامین اجتماعی در رمان الأشجار و اغتیال مرزوق، این است که منیف رمان الأشجار را بعد از شکست حزبان نوشته

و این جنگ در سرنوشت جهان عرب تأثیر بسزایی داشته است. مردم بعد از جنگ حزیران دچار مشکلات گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... شده‌اند. این موضوع در زندگی و شخصیت منیف نمود پیدا کرده است. گویی منیف رمان‌نویسی را راهی برای رهایی از درد و رنج این مصیبت می‌داند و ممکن است رمان و نوشته‌هایش فریادی باشد که مخاطب وضعیت بد اجتماعی و مشکلات جامعه عرب را بداند؛ به طوری که منیف شرایط بد اجتماعی از جمله آوارگی، بی‌وطنی، مستعمره بودن و... را در رمانش از طریق شخصیت الیاس نخلة و منصور عبدالسلام نشان می‌دهد. افغانی نیز در شوهر آهو خانم، وقایع سال‌های ۱۳۲۰ را توسط خانواده‌ای در شهر کرمانشاه بیان می‌کند. سال‌هایی که مصادف با ورود متفقین به ایران و تهاجم انگلستان بود و بر جنگ و مستعمره بودن ایران در اوضاع اجتماعی جامعه تأثیر داشت. وی با ذکر دقیق جزئیات، رنگی واقع‌گرایانه به این اثر می‌بخشد و شخصیت‌های حاضر در آن، در خدمت چنین مضامینی بکار گرفته شده‌اند. شخصیت‌های زنانه در راستای نقد ظلم و ستم مردان جامعه‌ی آن هنگام، در پی رهایی و آزادی برای خود هستند و نویسنده، در صدد پردازش چنین معضل اجتماعی است.

۳. برجسته‌ترین مضامین اجتماعی به صورت مشترک در رمان این دو نویسنده منیف و افغانی عبارتند از: فقر، آسیب‌های اجتماعی و فاصله طبقاتی. منیف و افغانی به مهم‌ترین مضامین اجتماعی مشترک از قبیل فقر، فاصله طبقاتی، آسیب‌های اجتماعی، استعمار، آزادی و وطن پرداخته‌اند و گویای این است که این دو نویسنده پیوند عمیقی با اجتماع خود داشته‌اند. انسان محوری را می‌توان ویژگی برجسته آثار منیف دانست و بدین ترتیب انسان حاضر در جامعه و محوریت او، منیف را به پرداختن به مضامین اجتماعی در آثار خود به ویژه «الأشجار واغتيال مرزوق» سوق داده است. او در این رمان، واقعیت

سیاسی و اجتماعی عربی را منعکس ساخته و شخصیت‌هایی واقعی را ترسیم می‌کند که فضای سراسر آشوب و کشمکش کشورهای عربی را لمس می‌کند. ۴. تفاوت این دو داستان در این است که منیف وقایع داستان را به صورت پراکنده بیان می‌کند؛ به طوری که زندگی دو شخص مختلف را در کشورهای عربی برای مخاطب بیان می‌کند که یکی از شخصیت‌ها در روستا زندگی می‌کند و دارای خلق و خوی روستایی است و شخصیت دیگر را فردی تحصیلکرده در دانشگاه‌های خارج از کشور نشان می‌دهد و از نظر فکری دو فرد متفاوت هستند و سیر تکامل داستان به صورت مستقل است. اما افغانی وقایع داستان را به صورت مستمر و مکرر بیان می‌کند و سیر تکامل داستان پیوسته است یعنی داستان از خانواده‌ای ایرانی و سنتی صحبت می‌کند که از ابتدا تا پایان داستان حوادث مربوط به خانواده میران گزارش می‌شود.

كتابنامه

١. آشوري، داريوش (١٣٥٨)، *فرهنگ سياسي*، چاپ سيزدهم، تهران، نشر مرواريد
٢. الأزريقي، سليمان (٢٠٠٢)، *فلسطين في الرواية الأردنية*، الطبعة الأولى، عمان: من إصدارات اللجنة الوطنية العليا لإعلان عمان عاصمة للثقافة العربيَّة.
٣. افغانى، على محمد (١٤٠٢)، *شوهر آهو خانم*، چاپ سى و هشتم، تهران: انتشارات نگاه.
٤. بطاينة، جودي فارس (٢٠٠٤)، *شخصية الآخر في الرواية في الأردن*، الطبعة الأولى، الأردن: مؤسسه الوراق للنشر والتوزيع.
٥. زرافا، ميشل (١٣٨٤)، *جامعه شناسى ادبيات داستانى*، ترجمه: نسرین پروينى، تهران: نشر سخن.
٦. زيماء، بيبير (١٩٩١)، *النقد الاجتماعيّ، نحو علم اجتماع للنص الأدبيّ*، ترجمة: عايدة لطفي، مراجعة: أمينة رشيد، سيد البحراوي، الطبعة الأولى، القاهرة: دار الفكر للدراسات والنشر والتوزيع.
٧. شهاب، خديجة (٢٠٠٩)، *حقوق الإنسان في روايات عبدالرحمن منيف*، الطبعة الأولى، بيروت: المؤسسة العربيَّة للدراسات والنشر.
٨. عبدالحميد، شاکر (٢٠١٨)، *الحلم والرمز والأسطورة*، الطبعة الأولى، مصر: نوستالجيا للإعلام والترجمة والنشر.
٩. عبدالغني، ریحاب (٢٠١٦)، *بنية الرمز ودلالاته الفنيَّة في شعر محمود درويش*، الطبعة الأولى، عمان: مؤسسه الوراق للنشر والتوزيع.
١٠. عزّام، محمد (١٩٩٦)، *فضاء النصّ الروائيّ (مقاربة بنيويَّة تكوينيَّة في أدب نبيل سليمان)*، الطبعة الأولى، سورية: دار الحوار للنشر والتوزيع.
١١. القاديلي، عزيز (٢٠١٨)، *الصورة، الإنسان والرواية: عبد الرحمن منيف في "شرق المتوسط مرّة أخرى"*، الطبعة الثانية، لندن: إي-كتب (E-kutub Ltd) ...
١٢. منيف عبدالرحمن (٢٠٠٨)، *الأشجار واغتيال مرزوق*، الطبعة الثالثة عشرة،

بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات والنشر.

۱۳. میرصادقی، جمال (۱۳۸۰) ادبیات داستانی، چاپ اول، تهران: انتشارات شفا.
۱۴. میهمی، هانیه (۱۳۹۹)، بررسی تطبیقی مضامین اجتماعی در رمان الأشجار و اغتیال مرزوق اثر عبدالرحمن منیف و شوهر آهو خانم اثر علی محمد افغانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۱۵. هویدی، محمدعبدالحسین (۲۰۱۹)، الوعي المتحوّل في عالم عبدالرحمن منیف الروائی، الطبعة الأولى، سورية، دمشق، طباعة، أمل الجديدة.

مجلات

۱۶. الخطیب، محمد کامل (۱۴۰۴)، انكسار الأحلام دراسة في روايات عبد الرحمن منیف، المعرفة، جمادی الأولى ۱۴۰۴، العدد ۲۶۵، صص ۳۵ - ۵۸.
۱۷. ذراتی، زهرا، زهرا نصر اصفهانی (۱۳۹۵)، مفاسد اجتماعی در رمان های جعفر شهری گردهمایی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران، دوره ۱۱، صص ۹۸۵-۱۰۰۵.
۱۸. عاملی رضایی، مریم، ستاره زارع (۱۳۹۵)، تحرک اجتماعی در رمان فارسی از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۰ شمسی (مطالعه در چهار رمان نمونه)، دو فصلنامه تخصصی مطالعات داستانی، سال چهارم، شماره دوم، صص ۳۵-۵۴.
۱۹. علوی، بزرگ (۱۳۴۷)، درباره شوهر آهو خانم، مونیخ: مجله کاوه، صص ۱۳۴-۱۴۲.
۲۰. ترکی، محمد سلمان عیسی محمد (۲۰۱۹) تجلیات الانتهاه إلى الوطن فی الروایة السوریة بین عامی ۲۰۱۰-۲۰۱۶م، جامعة البعث، العدد ۳۱، من ۱۱۷ إلى ۱۴۸.

پایان نامه

٢١. اصغری پهلوان، محسن (١٣٩٥)، بررسی تطبیقی مضامین سیاسی و اجتماعی در شعر احمد مطر و نسیم شمال، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر محمود رضا توکلی محمدی، دانشگاه قم.
٢٢. نگین تاجی، آریا (١٣٩٥)، بررسی تحلیل و تطبیقی شخصیت در رمان‌های مادام بواری، آنا کارنینا و شوهر آهو خانم از دیدگاه روانکاوی فروید، پایان نامه دکتری، به راهنمایی دکتر نرگس محمدی بدر، دانشگاه پیام نور مرکز تحقیقات تکمیلی تهران.